



## شناسایی عوامل مؤثر بر جایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی

طاهره ملکی<sup>۱</sup>، مهنا شاهرادی<sup>۲</sup>

### چکیده

ارتقای حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و برنامه‌ریزی جهت گسترش مشارکت آنان، بویژه در زمینه‌های اقتصادی، شرطی لازم برای توسعه پایداری است. این امر در نواحی روستایی که زنان در آن از دیرباز و به طور سنتی در کارهای اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند، از ضرورت بیشتری برخوردار است، اما با وجود اینکه زنان روستایی علاوه بر امور خانه‌داری، همسر داری و تربیت فرزندان در بسیاری از فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی روستا نیز سهیم‌اند، از جایگاه و رتبه خاص اجتماعی و اقتصادی در جامعه‌ی روستایی برخوردار نیستند. این مطالعه به روش توصیفی - تحلیلی در جهت تحلیل جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی صورت گرفته است. نمونه آماری این تحقیق را تعداد ۱۰۳ نفر از زنان روستای کهریز شهرستان کرمانشاه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و با روش نمونه‌گیری ساده تصادفی تشکیل دادند (N=۲۷۴). نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ۹۶/۲ درصد زنان روستایی از موقعیت اجتماعی - اقتصادی پایین و متوسطی برخوردار بوده و تنها ۳/۹ درصد زنان روستایی مورد مطالعه از جایگاه اجتماعی - اقتصادی بالایی برخوردار هستند. همچنین متغیرهای میزان تحصیلات، تحرک اجتماعی و نگرش برابری جنسیتی دارای تأثیر معناداری بر تعیین و ارتقای پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی می‌باشند. دستاوردهای حاصل از این پژوهش به برنامه‌ریزان توسعه روستایی کمک می‌نماید که در برنامه‌های توسعه بیش از پیش به وضعیت و شکاف موجود بین زنان و مردان در روستا توجه کرده و با ارائه برنامه‌هایی در جهت رفع این شکاف و بهبود جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی گامی مثبت و مؤثر بردارند.

**واژه‌های کلیدی:** پایگاه اجتماعی-اقتصادی، زنان روستایی، توسعه‌ی انسانی، استان کرمانشاه

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تبریز

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه



## مقدمه

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشرفت کشورها، بویژه کشورهای در حال رشد بر هیچ کس پوشیده نیست. بنا به اعتقاد کارشناسان مختلف، پیش شرط دستیابی به توسعه روستایی هم، بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی است (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰). بطوری که، منابع انسانی فعال در امور اجتماعی و اقتصادی سبب تسریع فرآیند توسعه و دستیابی به توسعه همه جانبه خواهند شد. بنابراین، باید به اهمیت نقش زنان و مردان در جامعه به صورت یکسان نگریده شود و تبعیض‌های جنسیتی مختل کننده حضور زنان در اجتماعات مختلف برداشته شود. بطور کلی، با وجود موانع متعدد جهت حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بنظر می‌رسد حضور زنان شهری در فعالیت‌های توسعه‌ای بیشتر بوده و روز بروز در حال بهبود و گسترش است. در حالی که، نقش زنان روستایی در فعالیت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی بسیار کم‌رنگ می‌باشد. ضمناً، این زنان نه تنها از موقعیت اجتماعی و اقتصادی شایسته برخوردار نیستند، بلکه جایگاه آنان در طراحی بسیاری از فعالیت‌های توسعه نادیده گرفته می‌شود. این در حالیست که زنان روستایی قشری زحمتکش و ضعیف هستند که علاوه بر همسراری، پرورش فرزندان و مدیریت زندگی، حدود چهل درصد از فعالیت‌های کشاورزی و نود درصد از فعالیت‌های مربوط به صنایع دستی را نیز به عهده دارند (میرزایی و شهیدی، ۱۳۸۶: ۲). بنابراین، توجه به جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و تلاش در جهت بهبود آن، نه تنها سبب پایداری بیشتر بنیاد خانواده شده، بلکه بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی روستا و به دنبال آن استحکام بیشتر بنیان‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را بدنبال خواهد داشت. لذا، پژوهش حاضر با هدف تحلیل جایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی صورت گرفت. دستاوردهای حاصل از این پژوهش به برنامه‌ریزان توسعه روستایی کمک می‌نماید که در برنامه‌های توسعه بیش از پیش به وضعیت و شکاف موجود بین زنان و مردان در روستا توجه کرده و با ارائه برنامه‌هایی در جهت رفع این شکاف و بهبود جایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان روستایی گامی مثبت و مؤثر بردارند.

Marmot (۲۰۰۴) معتقد است، پایگاه اقتصادی- اجتماعی شاخص ترکیبی می‌باشد که تجربه‌ی کاری و موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد را نسبت به دیگر افراد جامعه بیان می‌دارد (Marmot, ۲۰۰۴: ۳۸). Falkingham & Namazie (۲۰۰۲) نیز اظهار می‌کنند برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی راه‌های مختلفی وجود دارد که از آن جمله آن‌ها، شاخص‌های مستقیم و غیر مستقیم‌اند. شاخص‌های مستقیم شامل میزان درآمد ماهانه، میزان تحصیلات و نوع شغل افراد در جامعه است که از شاخص‌های قدیمی برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد به شمار می‌آیند و میزان دارایی‌های تحت مالکیت افراد، از جمله شاخص‌های غیرمستقیم و جدید که در مطالعات توسعه و سنجش سلامتی افراد به کار می‌رود (Chuna & Molyneux, ۲۰۰۹: ۸۳). درآمد ماهیانه به مجموع دریافتی در طول یک دوره (معمولاً یک ماه) به ازای انجام فعالیت اقتصادی معین اطلاق می‌شود (Deaton, ۱۹۹۷). میزان تحصیلات به معنی تعداد سال‌هایی است که افراد تحت آموزش رسمی قرار گرفته‌اند. این متغیر در کسب نوع شغل افراد در جامعه و میزان درآمد ماهیانه افراد نقش مهمی ایفا می‌کند (Miech & Hauser, ۲۰۰۱). شغل، حرفه‌ای اقتصادی است که افراد در بیشتر عمر خود بدان مشغولند و در قبال ارائه خدمات و یا کالا مبلغی معین دریافت می‌کنند (Nordstorm et al, ۲۰۰۴).

متغیرهایی که برای سنجش شاخص دارایی‌های افراد به کار می‌روند بسیار متنوع‌اند و مواردی از قبیل زمین زراعی، منزل مسکونی، کارگاه تولیدی، ماشین و مانند آن را در بر می‌گیرند. این متغیرها برای روستا نشینان و شهر نشینان و برای زنان و مردان جداگانه به کار گرفته می‌شوند. به عنوان مثال، متغیر زمین زراعی برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی روستاییان بسیار مناسب‌تر از میزان دارایی‌ها بر منابع تولیدی دیگر متغیرها به شمار می‌آید (Lindelov, ۲۰۰۶: ۲۶۳).

عوامل فرهنگی، به علت گستردگی، می‌تواند به اشکال مختلف، در آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و مذهب و بینش افراد نمود پیدا کند و مانعی برای مشارکت توده‌ای زنان در صحنه‌های مختلف جامعه محسوب شود (فخرایی، ۱۳۷۶). به گونه‌ای که هم اکنون، مشارکت زنان در قدرت سیاسی و اجتماعی جنبه‌ی توسعه‌ای ندارد، زنان در تصمیم‌گیری‌ها نقش ندارند. آنان، در همه‌ی رأی‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند، اما در سازمان‌های مدیریتی (شوراهای روستایی و دهیاری‌ها) حضور ندارند. بعلاوه، آن‌ها در نهادهای تولیدی نیز غایبند



(افراخته، ۱۳۹۰: ۱۸۷). در نتیجه می‌توان گفت، مشارکت روستاییان از نوع مشارکت توسعه‌ای نبوده و بیشتر جنبه مشارکت ابزاری دارد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

خباز زاده (۱۳۹۰) معتقد است، هم اکنون زنان ساکن در اکثر مناطق روستایی کشور، در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشارکت نمی‌کنند. برخی از این دلایل عبارتند از: ارزش‌های حاکم بر جوامع روستایی، آداب و رسوم سنتی و تاریخی، بافت مردسالاری جامعه و تعصبات خانوادگی به صورت موافقت نکردن پدر یا همسر با حضور زنان، عدم تمایل به از دست دادن نیروی کار منزل، دسترسی پایین زنان به اعتبارات و تسهیلات نهادها و عوامل تولید و عدم دسترسی مناسب به کانال‌های دستیابی اطلاعات. در نهایت، همه‌ی این عوامل سبب گردیده که زنان در جامعه‌ی سنتی ایران، تابع سنت‌های رایج و فرهنگ‌های محلی شوند (خباززاده، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۰).

پژوهش بابایی (۱۳۷۹) نشان داد، پایگاه اجتماعی و اقتصادی ۹۳/۵ درصد از زنان بسیار پایین و تنها ۲/۸ درصد در سطح بالا و خیلی بالا (بابایی، ۱۳۷۹: ۶۷). هم‌چنین، بررسی اجتماعی- اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان نیز نشان داد که در خانوارهای روستایی منتخب، با اینکه زنان در انجام امور تولید از مردان فعال‌ترند اما، ۷۶ درصد از زنان در سطح پایین اقتصادی قرار داشتند. بعلاوه، ۷۴ درصد از زنان طبقه متوسط و ۵۶ درصد از زنان مرفه، نیروی کار خانوار در مزارع برنج و چای را تشکیل داده‌اند (سرمدی و همکاران، ۱۳۷۳).

در مطالعه‌ای که به منظور بررسی نقش زنان در فعالیت‌های روستایی شهرستان رامسر صورت گرفته است نتایج تحقیق نشان داد که بیش از ۹۶ درصد از زنان روستایی، حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده می‌باشند، اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. هم‌چنین، بر اساس نتایج پژوهش، زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده، خود مالک عوامل تولید نیستند. به همین دلیل با وجود حضور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی، استفاده از اعتبارات دولتی (وام‌های بانکی) با موانع متعددی رو به رو هستند (رسول پورعربی، ۱۳۷۶).

بررسی پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان شهرستان همدان و عوامل مؤثر بر هم نشان داد، ۳۶/۳ درصد زنان در پایگاه پایین، ۵۵/۹ در پایگاه متوسط و ۷/۸ درصد در سطح بالایی از پایگاه اقتصادی- اجتماعی قرار داشته و از میان متغیرهای مستقل تحقیق، بیش‌ترین اثر مثبت مربوط به متغیر مشارکت اقتصادی بوده است. به طوری که افزایشی یک درصدی در میزان این شاخص، منجر ۰/۴۸۸ درصدی در احتمال بهبود جایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان خواهد شد (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

عفتی و کپوریان (۱۳۷۶)، در بررسی میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای استان مازندران به این نتیجه رسیدند، زنان روستایی مورد مطالعه، از لحاظ میزان مشارکت، در سطحی میانه قرار گرفته (حدود ۵۰/۶ درصد) و بیشترین فعالیت زنان روستایی مناطق مورد مطالعه بعد از خانه داری، فعالیت در زمینه‌های کشاورزی، صنایع دستی و قالی بافی بوده است. در این پژوهش، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، با متغیرهایی دارای ارتباط مثبت و معنادار است که عبارتند از: میزان آگاهی اجتماعی و میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، میزان سهم زنان در تولید محصولات کشاورزی، دامداری و صنایع دستی، میزان مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری تولید. اما، میان متغیرهای وابستگی زن به شوهر، شیوه‌ی تلقی شوهر از مسائل مذهبی و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی رابطه‌ای معنادار وجود نداشت.

پرتوی (۱۳۷۷)، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اقتصادی زنان متأهل ۴۵-۱۵ ساله مناطق روستایی شهرستان مهاباد را تجزیه و تحلیل نموده و به این نتیجه رسیده است که از میان متغیرهای مستقل اجتماعی و اقتصادی بسیار، تنها شغل شوهر و سپس طرز تلقی زن نسبت به نقش کاری خویش، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت اقتصادی زن روستایی گذاشته است.

تحلیل فعالیت‌های اقتصاد زنان روستایی منطقه‌ی برآن شهرستان اصفهان نشان داد، انگیزه‌های اقتصادی چون کسب درآمد، کمک به اقتصاد خانواده و داشتن اشتغال البته در کنار فرصت‌های فعالیت در وضع موجود و نظر همسر و خانواده، به ترتیب مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر در فعالیت اقتصادی زنان این روستا است (نوری و علی محمدی، ۱۳۸۶: ۸۷).

لهسایی زاده و همکاران (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای که به منظور بررسی مشارکت اقتصادی زنان در استان فارس انجام داده‌اند اظهار می‌دارند، رابطه‌ی معکوسی میان میزان تحصیلات زنان و مشارکت اقتصادی آنان وجود دارد. هم‌چنین با افزایش سن، مشارکت زنان در



فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود. علاوه بر این با افزایش در آمد و تحصیلات مردان میزان مشارکت زنان کمتر می‌گردد. بر اساس مدل نهایی تحقیق نیز، قوی‌ترین متغیر تبیین کننده میزان مشارکت اقتصادی زنان، نگرش آنان نسبت به اشتغال خود می‌باشد. همچنین، بسیاری از مطالعات که به منظور بررسی تأثیر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه انجام شده است، نقش مهم این متغیر را مورد تأکید قرار می‌دهند (لهسایی زاده و خواجه نوری، ۱۳۷۹؛ ایزد پناه، ۱۳۷۷؛ لهسایی زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۴). مطالعات دیگر بر نقش عوامل جمعیت از جمله تعداد فرزندان، بُعد خانوار، ازدواج زودرس بر مشارکت زنان بخصوص در امور اقتصادی تأکید دارند (عفتی، ۱۳۷۳). آل‌آقا (۱۳۸۵) بیان می‌دارد، زنان روستایی فرصت اشتغال فردی خصوصاً اشتغالات غیرکشاورزی را به دلیل فرسودگی جسمی ناشی از کهولت سن و یا بیماری که بیشتر ناشی از سختی کار کشاورزی است از دست می‌دهند. بنابراین نه تنها در شرایط بحرانی اقتصادی آن‌ها قادر به گسترش درآمد خویش از طریق مشاغل درآمدزا نمی‌باشند، بلکه با ازدیاد بیکاری اشتغال سابق خود را نیز از دست می‌دهند. از دیدگاه Ellis (۲۰۰۱) عوامل مؤثر بر توانمندی اقتصادی و خودکفایی زنان روستایی عبارتند از: افزایش منابع انسانی و فیزیکی، افزایش مشارکت در مراحل مختلف اجرای پروژه‌های توسعه و برخورداری از بیمه اجتماعی و افزایش کنترل بر فعالیت‌های تصمیم‌گیری. هدف کلی این پژوهش توصیفی - پیمایشی تحلیل جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستای کهریز شهرستان کرمانشاه می‌باشد.

## روش‌شناسی

این پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر از نوع کنترل متغیرها، از نوع غیر آزمایشی و از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش توصیفی و پیمایشی را زنان روستای کهریز شهرستان کرمانشاه تشکیل دادند. محاسبه حجم نمونه از میان زنان روستایی، با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و روش نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفت ( $N=274$  و  $n=103$ ). ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای شامل بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی بود که در طراحی آن، از شاخص ترکیبی (Marmot, ۲۰۰۴) و (Falkingham & Namazie, ۲۰۰۲) الهام گرفته شد. برای ساخت این شاخص ترکیبی، از معیارهایی مانند میزان درآمد ماهانه، میزان تحصیلات و نوع شغل افراد بعنوان شاخص مستقیم و از میزان دارایی‌های تحت مالکیت افراد، بعنوان شاخص‌های غیرمستقیم استفاده می‌شود (Chuna & Molyneux, ۲۰۰۹). برای بررسی تأثیر متغیرهای توضیحی مختلف بر بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی از متغیرهای تحصیلات همسر، تفاوت سنی با همسر، میزان پس انداز زنان، مهارت‌های اقتصادی زنان، شاخص اعتماد به نفس، شاخص خود اثر بخشی، شاخص خشونت خانگی و تحرک اجتماعی استفاده شد در نهایت، روایی ظاهری و محتوایی پژوهش، توسط هیئت علمی گروه ترویج و توسعه روستایی به تأیید رسید. همچنین پایایی ابزار پژوهش نیز با محاسبه آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۳ محاسبه شد که نشانگر پایایی بالای پرسشنامه بود. پس از آماده‌سازی پرسشنامه، به علت بیسوادی یا کم سوادی زنان جامعه مورد مطالعه، پرسشنامه بصورت مصاحبه تکمیل گردید و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## یافته‌ها و بحث

یافته‌ها نشان داد که زنان روستایی جامعه مورد نظر درم حدوده سنی ۱۷ تا ۶۸ سال قرار داشته و میانگین سنی آنان ۳۸/۲۱ سال بود. بیشترین تعداد افراد نمونه در گروه سنی بالای ۴۰ سال جای داشتند. همچنین یافته‌ها نشان داد بیشتر خانواده‌ها (۴۷/۵) درصد خانواده‌ها جمعیت بین ۶-۴ نفر داشتند. وضعیت تأهل زنان نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از آنان مطلقه بوده و یا همسر آن‌ها فوت کرده است (۲۶،۵ درصد) (جدول شماره ۱).



جدول شماره ۱، توزیع فراوانی جامعه مورد مطالعه بر اساس گروه سنی، وضعیت تاهل و تعداد اعضای خانواده

مشخصات فردی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۲۰ سال و کمتر	۸	۷/۸	۷/۸
۲۱-۳۰	۳۰	۲۹/۱	۳۶/۹
۳۱-۴۰	۲۷	۲۶/۲	۶۳/۱
۴۰ و بالاتر	۳۸	۳۶/۹	۱۰۰
جمع کل	۱۰۳	۱۰۰	
متاهل	۷۵	۷۲/۸	۷۳/۵
مطلقه یا همسر متوفی	۲۸	۲۷/۱	۷۹/۴
جمع کل	۱۰۳	۱۰۰	
تعداد اعضای خانواده			
۰-۳ نفر	۳۳	۳۲/۷	۳۲/۷
۴-۶ نفر	۴۸	۴۶/۶	۸۰/۲
۷-۹ نفر	۱۹	۱۸/۴۴	۹۸
بالای ۱۰ نفر	۳	۲/۹۱	۱۰۰
جمع کل	۱۰۳	۱۰۰	

جدول (۲) وضعیت شغلی زنان مورد مطالعه را نشان می‌دهد. در بررسی فعالیت اقتصادی زنان مشخص شد که ۸۹/۲ درصد زنان فاقد شغل درآمدزا هستند که پس از مصاحبه با پاسخگویان مشخص شد فراهم نبودن سرمایه و امکانات مادی و همچنین فرهنگ سنتی و مردسالارانه‌ی حاکم بر روستا از مهم‌ترین دلایل بیکاری زنان روستایی می‌باشد.

جدول شماره ۲، توزیع فراوانی زنان روستایی بر اساس وضعیت شغلی زنان

وضعیت شغلی زنان	فراوانی	درصد
دارای شغل درآمدزا	۱۱	۱۰/۸
فاقد شغل درآمدزا	۹۲	۸۹/۲
جمع کل	۱۰۳	۱۰۰,۰

بر اساس داده‌های جدول شماره (۳)، تنها ۱ درصد زنان روستایی دارای درآمد بالای ۱۵۰۰۰۰۰ ریال در ماه هستند.

جدول شماره ۳، توزیع فراوانی زنان روستایی بر اساس میزان درآمد

میزان درآمد (ریال)	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بدون درآمد	۹۵	۹۳,۱	۹۳,۱
۵۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ ریال	۶	۵,۹	۹۹,۰
۱۵۰۰۰۰۰ ریال به بالا	۱	۱,۰	۱۰۰,۰
جمع کل	۱۰۲	۱۰۰,۰	.....



مطابق با یافته‌های ارائه شده در جدول شماره (۴)، از میان ۱۰۳ نفر زنان روستایی در جامعه مورد مطالعه ۴۲/۲ درصد بیسوادند که بیشترین جمعیت جامعه را تشکیل دادند و تنها ۳/۹ درصد از آن‌ها تحصیلات بالای دیپلم دارند که این ارقام نشان دهنده وضعیت نامناسب آموزشی روستای مورد مطالعه است.

جدول شماره ۴، وضعیت سواد زنان روستایی

وضعیت سواد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بیسواد	۴۳	۴۲/۲	۴۲/۲
ابتدایی	۱۰	۹/۸	۵۲
خواندن و نوشتن	۳۱	۳۰/۴	۸۲/۴
راهنمایی	۱۲	۱۱/۸	۹۴/۱
متوسطه	۲	۲	۹۶/۱
دیپلم و بالاتر	۴	۳/۹	۱۰۰
جمع کل	۱۰۲	۱۰۰	

از جمع شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، شاخص جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان ساخته شد. جدول شماره (۵). همانگونه که از داده این جدول مشخص شده است، ۶۱/۲ درصد زنان روستایی مورد مطالعه از جایگاه اجتماعی - اقتصادی ضعیف و ۳۵ درصد از جایگاه اجتماعی متوسطی برخوردارند و تنها ۳/۹ درصد زنان روستایی مورد مطالعه از جایگاه بالایی برخوردار هستند.

جدول شماره ۵، وضعیت جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی

جایگاه اجتماعی-اقتصادی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پایین	۶۳	۶۱/۲	۶۱/۲
متوسط	۳۶	۳۵	۹۶/۱
بالا	۴	۳/۹	۱۰۰
جمع کل	۱۰۳	۱۰۰	

همچنین مطابق با داده‌های جدول شماره (۶)، رابطه مثبت و معنی داری بین جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه با متغیرهای میزان تحصیلات، میزان درآمد، مشارکت اقتصادی، دارا بودن تحرک اجتماعی در سطح ۱ درصد وجود داشت. هم چنین، بین جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی و نگرش برابری جنسیت ارتباط مثبت و معناداری در سطح ۵ درصد برقرار است.



جدول شماره ۶. نتیجه آزمون ضریب همبستگی در خصوص ارتباط متغیرهای مستقل با جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (P)
تفاوت سنی با همسر	۰/۷	۰/۲۴
میزان تحصیلات	۰/۴۴۵**	۰/۰۰۰
میزان درآمد	۰/۴۸۶**	۰/۰۰۰
اعتماد به نفس	۰/۰۶۱	۰/۲۷۹
خود کارآمدی	۰/۰۳	۰/۳۸۷
نگرش برابری جنسیت	۰/۱۸۹*	۰/۰۳۳
خشونت خانگی	۰/۰۳۸	۰/۳۳۵
مشارکت اقتصادی	۰/۶۶۷**	۰/۰۴۳
تحرک اجتماعی	۰/۳۵۳**	۰/۰۰۰
پس انداز	۰/۰۵۷	۰/۲۸۸

\*سطح معنی داری ۰/۰۵      \*\*سطح معنی داری ۰/۰۱

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش در خصوص تحلیل جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی نشان داد، اکثر این زنان، در جایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین (۶۱/۲ درصد)، ۳۴ درصد در از این نظر در سطح متوسط و تعداد کمی هم در سطح بالا قرار داشتند (۳/۹ درصد) که متناسب با یافته‌های پژوهش بابایی، (۱۳۷۶: ۶۷) می باشد. در جامعه مورد مطالعه وی، ۹۳ درصد زنان در جایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین قرار داشته و تعداد معدودی هم در جایگاه بالا قرار داشتند. در ادامه یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معنی داری بین جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی مورد مطالعه با متغیرهای میزان تحصیلات، میزان درآمد، مشارکت اقتصادی، دارا بودن تحرک اجتماعی و نگرش برابری جنسیت بود.

بدیهی است که هر اندازه، زنان و دختران روستایی سطح تحصیلات خود را بالا ببرند، در جامعه روستایی جایگاه اقتصادی- اجتماعی بهتری را کسب کرده و درآینده این اجتماعات نقش مؤثرتری را ایفا می‌نمایند که این امر نشانگر لزوم توجه به افزایش سطح سواد زنان روستایی جهت بهره‌گیری از نیروی بالقوه آنان در دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد. نتایج پژوهش سروش مهر و همکاران (۱۳۸۹: ۱۴۳) هم تأکید می‌کند، بهبود تحصیلات زنان روستایی، نقش مؤثری در شناخت جایگاه اقتصادی زنان روستایی و ارتقای وضعیت موجود آنان خواهد داشت. اولایی (۱۳۸۵: ۱۹) نیز یکی از اولین گام‌ها در افزایش توانمندی زنان روستایی را برطرف کردن نیازهای آموزشی آنان می‌داند. بنابراین با توجه به اهمیت این یافته پیشنهاد می‌شود، کلاس‌های نهضت سوادآموزی جهت افزایش سطح سواد زنان روستایی در محیط روستا بیش از پیش تقویت گردد و در این کلاس‌ها نه فقط افزایش آمار تعداد زنان باسواد، بلکه دستیابی واقعی زنان روستایی به سواد مورد توجه قرار گیرد. در این راستا هم چنین پیشنهاد می‌شود مدرسه‌هایی جهت تحصیل دختران بزرگسال و باز مانده از تحصیل در روستاها دایر شود. به علاوه پیشنهاد می‌گردد، زیرساخت‌های لازم آموزش از راه دور برای پیشرفت و اعتلای روزافزون جایگاه آنان در دنیای پیشرفته امروز فراهم گردد. در ادامه پژوهش مشخص شد، چنانچه شاخص تحرک اجتماعی در میان زنان روستایی بهبود یابد، جایگاه اجتماعی- اقتصادی آنان هم به طور معناداری افزایش می‌یابد. شکوری و همکاران (۱۳۸۶: ۲۴-۲۳) نیز اظهار می‌دارند، تحرک و فعالیت‌های اجتماعی زنان موجب افزایش توانمندی اجتماعی آنان و در نتیجه بهبود جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان می‌شود. به منظور افزایش سطح این متغیر در اجتماعات روستایی پیشنهاد می‌شود، اقدامات مؤثری جهت



افزایش تحرک و فعالیت‌های اجتماعی زنان صورت گیرد. به عنوان نمونه، صندوق‌های اعتبارات خرد در محیط روستا تحت کنترل و مدیریت زنان روستایی تأسیس و اداره گردد. بسیج زنان در مساجد تقویت شود و از آنان در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مهم اجتماعی روستا استفاده شود. اقدامات فرهنگی مؤثری در جهت کاهش محدودیت‌های فرهنگی زنان روستایی جهت انجام امور اجتماعی برداشته شود. سومین متغیر مؤثر در بهبود جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی، نگرش برابری جنسیتی است. بدین معنا که هر چه نگرش برابری نسیتی در اجتماعات روستایی تقویت گردد، جایگاه این زنان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در سطح بالاتری قرار خواهد گرفت. بین این یافته با یافته سروش مهر و همکاران (۱۳۸۹) تناسب برقرار است. حاجیلو و خانی (۱۳۸۷) هم معتقدند، پذیرفتن زنان به عنوان کانون زندگی در روابط درونی خانواده، پذیرفتن نقش‌های منحصر به فرد و مستقل از مردان و اعتقاد به نقش متمم و مکمل آنان در معیشت و تولید، پشتوانه مناسبی برای فرو ریختن کلیشه‌های جنسیتی موجود و ارتقای جایگاه و منزلت اجتماعی زنان در فضای فرهنگی و اجتماعی روستا است (حاجیلو و خانی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). در این راستا، در جهت افزایش این متغیر و سایر متغیرهای مؤثر در بهبود جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی نمی‌توان نقش برنامه‌های ترویجی را نادیده گرفت. برگزاری کلاس‌های ترویجی برای مردان روستایی جهت آشنا سازی آنان با حقوق مسلم زنان خود و آشنایی آنان با توانایی‌های بالقوه زنان، نقش مؤثری در شکستن نگرش‌های مرد سالاری حاکم بر روستا و افزایش نگرش مثبت نسبت به توانمندی‌های زنان روستایی خواهد داشت. هم چنین، از برنامه‌های ترویجی می‌توان جهت افزایش مهارت اقتصادی زنان روستایی یا در برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی و کمک به آنان جهت تشکیل گروه‌های خودیار و مستقل در فعالیت‌های اجتماعی استفاده کرد. ضمناً، میان افزایش درآمد زنان روستایی و مشارکت اقتصادی زنان روستایی با جایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان ارتباط معناداری در سطح ۱ درصد برقرار است. Kaur (۲۰۰۵) هم بیان می‌کند، مشارکت اقتصادی بدون مزد زنان و عدم دسترسی آنان به درآمد ملموس، سبب می‌گردد تا آنان در موقعیت اجتماعی و اقتصادی پایین تری قرار گیرند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود دولت، به راه اندازی مشاغل خانگی توسط زنان و تأسیس تعاونی‌های تولیدی آنان توجه بیشتری کند و زمینه‌های لازم را در ایجاد اشتغال برای آنان تسریع نماید تا بدین وسیله سطح مشارکت اقتصادی در میان آنان بالاتر رفته و این قشر ضعیف و زحمتکش اما مؤثر موجود در روستا دارای درآمد مستقل گردند که مطمئناً این درآمد کمکی به بهبود وضعیت معیشت در خانوارهای روستایی نیز خواهد بود.

## منابع

- آخوندی قهرودی، م. (۱۳۹۰)، دهیاری محور مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان در راستای دستیابی به توسعه روستایی، ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری‌ها، سال ششم، شماره ۳۳، ص ۳-۶.
- آل آقا، ف. (۱۳۸۵)، شناسایی مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی و تعیین نیازهای آموزشی و مهارت‌های متناسب با آن، پژوهش زنان، شماره ۱۱، ص ۱۶۹-۱۴۷.
- افراخته، ح. (۱۳۹۰)، جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی و تاثیر باورهای اجتماعی بر آن (مطالعه موردی روستاهای کوهپایه ای فومنات)، فصلنامه روستا و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۱، ص ۱۹۳-۱۷۳.
- اعظمی، م.، و سروش مهر، ه. (۱۳۸۹)، تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید (مطالعه موردی: تعاونی توپ سازان شهرستان پاره واورامانات)، پژوهش‌های روستایی، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۴، ص ۲۰۴-۱۷۹.
- اولایی، س. (۱۳۸۵)، تحلیل جنسیتی مشارکت در کشاورزی و جامعه روستایی شهرستان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- ایزد پناه، ع. (۱۳۷۷)، تاثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی مردان بر نگرش آنان نسبت به اشتغال زنان در شهر مرودشت استان فارس، رساله کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد دهقان.





- بابایی، ح.م. (۱۳۷۹)، بررسی جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه شهری و روستایی استان همدان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان همدان.
- پاپلی یزدی، ح.م.، و ابراهیمی، م.ا. (۱۳۸۱)، نظریه های توسعه روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- پرتویی، ل. (۱۳۷۷)، بررسی و تحلیل مهمترین عامل موثر بر میزان مشارکت اقتصادی زنان متاهل ۴۵-۱۵ ساله مناطق روستایی (شهرستان مهاباد)، پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ثابت قدم، ش. (۱۳۹۱)، نقش و جایگاه زنان در توسعه روستایی، ماهنامه فرزانه، اردیبهشت ۱۳۹۱، شماره ۲ و ۳.
- جمشیدی، م. (۱۳۸۲)، زنان و توسعه ی روستایی، ماهنامه جهاد، شماره ۲۵۷.
- حاجیلو، ف. و خانی، ف. (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر نگرش مردان برایجاد گروه های مستقل زنان روستایی: مطالعه ی موردی استان آذربایجان شرقی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۱، ص ۱۷۱-۱۵۱.
- خباز زاده، ن. (۱۳۹۰)، جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آن ها در فرآیند توسعه، ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری ها، سال ششم، شماره ۳۳، ص ۱۶-۱۲.
- خباز زاده، ن. (۱۳۹۰)، مشارکت زنان روستایی در تولیدات کشاورزی، دهیاری محور مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان در راستای دستیابی به توسعه روستایی، ماهنامه پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری ها، سال ششم، شماره ۳۳، ص ۹-۶.
- خواجه نوری، ب.، و حاتمی، ع. (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان استانهای غربی کشور، مجله اینترنتی جامعه شناسی ایران.
- راود راد، ا. (۱۳۷۹)، تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال، ماهنامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۷۹، شماره ۱۵، ص ۲۷-۳.
- رسول پور عربی، ح. (۱۳۷۶)، بررسی نقش زنان در فعالیت های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، (۱۳۸۲)، چشم انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله (توسعه پایدار ملی با رویکرد جهانی)، گزارش شماره ۱۷، کارشناسی، مقدماتی و پیشنهادی.
- سرمدی، ف.، مال میر، پ. و ساریخانی، ن. (۱۳۷۳)، زنان روستایی و اشتغال زایی آنان، وزارت کشاورزی معاونت برنامه ریزی و بودجه، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- سروش مهر، ه.، رفیعی، ح.، کلانتری، خ. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۹)، بررسی پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی شهرستان همدان)، فصلنامه پژوهش های روستایی، سال اول، شماره ۱، ص ۱۶۵-۱۴۳.
- شکوری، ع.، رفعت جاه، م.، جعفری، م. (۱۳۸۶)، مؤلفه های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن ها. پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، ص ۲۶-۱.
- صالح نسب، غ.ح. (۱۳۷۸)، نقش زنان در توسعه کشاورزی، سازمان فائو، مجله جهاد، شماره ۳.
- عفتی، م. (۱۳۷۳)، موانع مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی، مجله جهاد، شماره ۱۶۹.
- عفتی، محمد و مجید کیوریان، (۱۳۷۶)، مشارکت اجتماعی زنان روستاهای مازندران. تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- فخرایی، س. (۱۳۷۶)، جامعه شناسی موانع فرهنگی مشارکت اجتماعی زنان در ایران، مجموعه مقالات چهارمین گردهمایی سیمای زن در جامعه، زن و توسعه ی فرهنگی. تهران، مرکز پژوهش های بنیادی دانشگاه الزهرا، ص ۹۲-۸۱.
- میرزایی، م. و شهیدی، ک. (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مؤثر بر حضور زنان روستایی در فعالیت های آموزشی و ترویجی کشاورزی (مطالعه موردی شهرستان بافت وزند استان کرمان)، مجله توسعه و بهره وری، سال دوم، شماره ۳ و ۴، ص ۲-۱۱.
- لهسایی زاده، ع.، جهانگیری، ج. و خواجه نوری، ب. (۱۳۹۴)، بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی استان فارس)، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳، ص ۱۴۵-۱۲۴.



- نوری، ه. و علی محمدی، ن. (۱۳۸۶)، تحلیلی بر فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه برآن شهرستان اصفهان)، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال بیستم، شماره ۲، ص ۸۷-۱۰۴.
- یزدان پناه، ل. و صمدیان، ف. (۱۳۸۷)، تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی، فصلنامه مطالعات زنان، سال ششم، شماره ۲، ص ۱۲۷-۱۴۹.
- Chuma, J. & Molyneux C., (۲۰۰۹), Estimating Inequality in Ownership of Insecticide Treated Nets: Does the Choice of Socioeconomic Status Measure Matter?, Health Policy and Planning, No. ۲۴, pp. ۸۳-۹۳.
- Deaton, A., (۱۹۹۷), The Analysis of Household Surveys: A Microeconomic Approach to Development Policy, Washington, DC: The World Bank.
- Ellis, Fand biggs, S., (۲۰۰۱), Evolving Themes in Rural Development ۱۹۵۰s-۲۰۰۰s, Development policy review, VOL. ۱۹, No ۴.
- Kour, M. Sharma, M.L., ۱۹۹۱, Role of Women in Rural Development, Journal of Rural Studies.
- Kaur, A., Sherbinin, A., Toure, A., Jensen, L., (۲۰۰۵), Economic Empowerment of Women, United Nations Population Fund ۲۲۰ East ۴۲nd Street New York, New York ۱۰۰۱۷ (UNPF).
- Lindelow, M., (۲۰۰۶), Sometimes More Equal than Others: How Health Inequalities Depend on the Choice of Welfare Indicator, Health Economics, No. ۱۵, pp. ۲۶۳-۲۷۹.
- Marmot, M., (۲۰۰۴), The Status Syndrome: How Social Standing Affects Our Health and Longevity, New York: Owl Books.
- Miech, R. Hauser, M., (۲۰۰۱), Socioeconomic Status and Health at Midlife: A Comparison of Educational Attainment with Occupation-Based Indicators, AEP, Vol. ۱۱, No. ۲.
- Nordstorma, Ch., V., Diez, R., Sharon, A., Jacksonb, J., Gardinc, M., (۲۰۰۴), The Association of Personal and Neighborhood Socioeconomic Indicators with Subclinical Cardiovascular Disease in an Elderly Cohort, The Cardiovascular Health Study. Social Science & Medicine ۵۹L ۲۱۳۹-۲۱۴۷.
- Oakley, P., (۱۹۹۱), Project with People: The Practice of Participation in Rural Development. Geneva, Switzerland: International Labour Office.
- Palmer, I., (۱۹۷۷), Rural women and the basic needs approach to development, international labour review, Vol. ۱۱۵, No. ۱, pp. ۹۷-۱۰۱.
- Vicheka, L., (۲۰۰۵), Cambodian Women and Barriers to Social Participation. Web page, ۳ January. Retrieved ۲۹ May ۲۰۰۷ (<http://www.mekong.net/cambodia/barriers.htm>).
- Zobeidan, A., (۱۹۸۴), Rural women and their work dependence and alternatives for change. International Labour Review. Vol. ۱۲۳, No. ۱. January-February.